

عوامل روان‌شناختی تبدیل به دین اسلام؛

بر اساس منابع اسلامی و آراء اندیشمندان مسلمان

m.r.Ahmadi313@Gmail.com

biria1390@gmail.com

snasr1907@gmail.com

محمدرضا احمدی محمدآبادی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدناصر سقایی بی‌ریا / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدسعید نصر اصفهانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۵

دریافت: ۹۹/۰۴/۱۹

چکیده

تبدل در لغت به دگرگونی و تغییر عمیق و در روان‌شناسی دین به معنای تحول در افکار، باورها و الگوهای است که تغییراتی وسیع را در زندگی رقم می‌زند. تبدیل در روان‌شناسی دین از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد پژوهش در یک قرن اخیر بوده است، به گونه‌ای که از یافته‌های آن مطالعات به منظور پیشبرد مقاصد و اهداف دینی برای ترویج آن ادیان نیز مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود این تحقیقات بر اساس آموزه‌های اسلامی در این پیشینه گسترده تبدیل، انجام نشده است. هدف این تحقیق بررسی و تبیین علل روان‌شناختی در گروش به دین اسلام است. روش انجام این تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. منابع عمومی و اختصاصی مرتبط با تحقیق، بعد از شناسایی، بررسی و مطالعه و با استخراج نکات، درصدد تبیین عوامل روان‌شناختی در تبدیل به دین اسلام خواهیم بود. با مراجعه به منابع مکتوب اندیشمندان اسلامی، به بررسی شواهد، ادله و تحلیل آنها خواهیم پرداخت. با بررسی منابع اسلامی، ۱۴ عامل روان‌شناختی، شامل سه دسته عوامل مؤثر در فرایند نوکیشی که عبارتند از: ویژگی‌های شخص‌گرونده، دعوت‌کننده و دین اسلام، به دست آمد.

کلیدواژه‌ها: تبدیل، گروش، نوکیش، اسلام، دین.

مقدمه

قرار گیرند را ترسیم کرده است. مدل او روشن ساخت که آثار یکپارچه و ترکیب شده مجموعه گسترده‌ای از عامل‌ها، بافتی و شخصیتی، لازم است مورد توجه قرار گیرند. این موارد شامل جمعیت‌شناختی (demographic)، روانی (mental)، هیجانی (emotional)، گروه، پیش‌ایندی (circumstantial)، زنجیره‌ای (sequential)، موقتی (temporal)، اجتماعی، محیطی، فرهنگی و دیگر عوامل زیرمجموعه‌ای هریک از آنها می‌شد (پالوتزیان و پارک، ۲۰۱۵، ص ۴۰۱). عاملی اساسی که سبب تحول فردی و هدایت به سمت شیوه صحیح زندگی محسوب می‌شود، همان منشأ واقعیت مادی و روحانی (خدا) است (لوونتال، ۱۳۹۵، ص ۷۸). از نظر فرانکل، معنویت و گرایش به مذهب، یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان می‌باشد. او می‌نویسد: این دین‌داری فراگیر و ناخودآگاه که با تحلیل پدیدارشناسانه ما آشکار گردیده است، باید به‌عنوان یک رابطه پنهان با تعالی که به صورت فطری در انسان وجود دارد، در نظر گرفته شود (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲). آلپورت بالاترین سیستم ارزشی که به انسان وحدت و هدفمندی می‌دهد، سیستم ارزشی دینی می‌داند. وی معتقد است که برای رسیدن به شخصیت سالم یک دین‌داری عمیق و باور به ارزش‌های دینی لازم است (همان، ص ۲۹۵).

جنبه‌های مثبت تبدیل دینی شامل: نشانه افزایش سعه صدر، ارتباط بهتر با جهان و دیگران، پاسخ‌دهی هیجانی بیشتر، افزایش حس خرسندی و شادمانی شخصی، رفع تعارض و شکل‌گیری هویت سازنده است (اسپیلکا، برنارد و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۷۵). وولکت (۱۹۶۹) کسی را که دچار خودشیفتگی و تسلیم من‌گرایی شده است را انسان ناسالم محسوب می‌کند؛ در حالی که در تبدیل دینی، زمانی که انرژی مربوط به تعارض‌های ناهشیار آزاد می‌گردند، ارتباط بهتر با واقعیت، فهم عمیق‌تر و نوعی فروتنی و تواضع در شخص ایجاد خواهد شد. ریچاردسون (۱۹۹۲) در سنجش شخصیت نوکیش‌های فرقه‌هایی اغلب از مسیحیت و هندو، تأثیرات درمان بخش در گروش به دین جدید را مشاهده می‌کند. بیشتر روان‌شناسان تغییر «خود» را احتمالاً در خارج از بافت‌های مذهبی جست‌وجو می‌کنند. البته به تعبیر رامبو (۱۹۹۳، ص xiii) خود مایل است فقط تبدیل‌هایی را اصیل بداند که در آن شخص با قدرت خدا تحول می‌یابد. استفاده از اسنادهای مذهبی یا گفت‌مان مذهبی چیزی

دین اسلام از لحظه آغاز دعوت مردم به آن، با پذیرش و یا رد افراد مواجه بوده که در قالب ایمان، کفر یا نفاق مطرح شده است. همان‌طور که مردم حجاز، یعنی جایی که اسلام طلوع کرد، دارای دینی همچون اهل کتاب، یهودی، مسیحی یا بت‌پرست بودند و در مواردی نتیجه تحریف دین حضرت ابراهیم^ع، سبب عدم دین‌داری یا انحرافات گسترده در عقاید آنان گشت؛ پذیرش اسلام از سوی آنان مستلزم ترک دین پیشین و در مقابل، پذیرش عقاید و باورهای جدید در زندگی بوده است. با ظهور اسلام، نهال تبدیل دینی (religious conversion) به ثمر نشست و مرحله‌ای تازه در گروش به دین آغاز شد.

انقلاب سال ۵۷ در ایران که ریشه اسلامی دارد، باعث تحولاتی در تاریخ معاصر از جمله توجه کلی مردم جهان به دین و به‌ویژه اسلام گردید. دنیا پس از انقلاب اسلامی شاهد اقبال بیشتری از سوی مردم به اسلام به‌عنوان دین در دنیای غرب است. برای نمونه پس از حادثه یازدهم سپتامبر، تعداد زیادی از نسخه‌های قرآن در آمریکا به فروش رفت و نایاب شد. گروش به اسلام در قلمرو تمدن غربی سیر صعودی داشته است. روند گروش به اسلام در غرب به طوری شدت و سرعت گرفته که برخی از اندیشمندان غربی از مسلمان شدن اروپا تا پایان این قرن خبر می‌دهند؛ به‌طوری‌که در پایان این قرن - قرن ۲۱ - اروپا مسلمان خواهد شد (ویلیام، ۲۰۰۶، ص ۱۸۲، به نقل از: برنارد لويس).

در اصطلاح روان‌شناسی دین، واژه تبدیل (conversion) به معنای تغییر دین است. معنای اصلی آن دگرگونی (Turn) و بازنگری (return) است (رامبو و فرهادیان، ۲۰۱۸، به نقل از: گرین، ۲۰۱۵). تبدیل در روان‌شناسی دین، نوعی تجربه انتقالی، وضعیت‌گذار و تغییر الگوهایی است که به طرز عمیقی زندگی فرد را دچار تغییر و تحول می‌کند. وجه اشتراک تعاریف روان‌شناختی شامل احساس سرشاری از تعهد و تسلیم به‌مثابه تغییری بنیادی است (کرمی‌پور، ۱۳۹۲). مدل رامبو (۱۹۹۳) به صورت پدیده‌ای تعاملی، واکنشی و استدلالی و به‌مثابه مدلی جامع و همه‌جانبه (شامل عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در نودینی) مورد توجه قرار گرفته است. این مؤلفه‌ها چند سویه، تعاملی و در عین حال فزاینده‌اند که شامل: زمینه، بحران، پرسش، مواجهه، تعامل، تعهد و پیامدها می‌باشند. همچنین یک نقشه مفهومی جامع از همه عواملی که باید در فهم فرایند تبدیل مورد توجه

است که تبدیل را به صورت تبدیل مذهبی درمی‌آورد.

پژوهش‌های روان‌شناختی تبدیل دینی، مانند مقوله بنیادی تغییر انسان، دارای بیش از ۱۰۰ سال سابقه است (پالوتزیان، ۲۰۱۵، ص ۴۱۶). رامبو و فرهادیان (۲۰۱۸) در مقاله پاسخ به جلسه سالانه آکادمی آمریکایی دین در رابطه با کتاب راهنمای تبدیل دینی، به تحقیقات جدید انجام شده، کمبودها و راهکارها برای رفع این نقایص پرداخته‌اند. در پژوهش ذکر شده، نیاز به انجام پژوهش‌هایی در دیگر رویکردها برای فهم تبدیل دینی تأکید شده است. وولف (۱۳۸۶) و اسپیلکا (۱۳۹۰) در کتاب‌های روان‌شناسی دین به پیشینه و نظریات مهم در موضوع تبدیل پرداخته‌اند. به‌طور کلی این پژوهش‌ها و نظریه‌ها، مبتنی بر مفاهیم مادی‌گرایانه، لیبرالیستی و سکولاریستی انجام گرفته و نه براساس یک جهان‌بینی الهی.

نظریه‌های مذکور در چارچوب تفسیرهای مسیحی و یهودی از موضوعات دینی است و اغلب نمونه‌گیری‌های آن از بین جوامع مسیحی و یهودی انتخاب و آزمون شده‌اند.

پژوهش‌ها صرفاً با روش‌های تجربی انجام گرفته و خلأ روش‌های نظری در این حیطه مشهود است.

برای نمونه، در رابطه با شخصیت، تأثیرات تبدیل در تغییر شخصیت مورد بررسی قرار گرفته است. نوکیش‌ها در کارکردهای شخصیتی خودتعریف‌گر (self-defining) (هدف زندگی، معنا، هویت) دچار تغییر عمیق و در کارکردهای میانی (نگرش‌ها، احساسات، رفتار) دچار تغییر مهم، گردیده‌اند.

عزتی (۱۳۷۴) در کتاب *دیبیاچه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام*، انعکاس حق و حقیقت در پندار، گفتار، کردار مسلمانان و تأثیر آن بر دیگران، آزادی دینی ادیان در جامعه اسلامی، عدم تعصب و احترام مسلمانان به دیگر ادیان، باور به حقانیت دین اسلام و همچنین هماهنگی در ارزش‌ها، عقاید، اصول و حقایق آن را از جمله علل اصلی گسترش، مقبولیت و گروش به اسلام در جهان معرفی می‌کند.

حسین‌زاده و محسنی‌نیا (۱۳۸۷) در مقاله «اسلام‌گرایی ایرانیان، زمینه‌ها و عوامل»، به بررسی تاریخی علل گروش ایرانیان به اسلام پرداخته است. برای نمونه، زمینه‌های روحی و فرهنگی ویژه ایرانیان و محتوای غنی تعالیم اسلامی زمینه‌ساز گروش آنها به اسلام گردید. کرمی‌پور (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی تغییر کیش»، عواملی همچون ناسازگاری در گرایش‌های دین قبلی، دریافت

نگرش‌های نو نسبت به اسلام، نبود پاسخ‌های قانع‌کننده در دین پیشین و آموزه‌های قانع‌کننده در دین اسلام را سبب تبدیل از مسیحیت به اسلام دانسته است.

موحدی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه *ترجمه و تحقیق کتاب شناخت تغییر دین نوشته لوئیس رامبو*، در این مطالعه، رامبو به پویایی‌های تغییر دین می‌پردازد و آن را فرایند چندوجهی تحول، متشکل از عوامل فردی، فرهنگی، اجتماعی و دینی می‌داند. پژوهش ذکر شده براساس آموزه‌های دین مسیحیت انجام گرفته است.

کرمی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله «تغییر دین و تغییر شخصیت»، تغییر دین را درک جدیدی در خودانگیزی و خودیابی فرد می‌داند و انواع خاصی از شخصیت‌ها را مستعد تغییر دین بیان می‌کند.

یافته‌های پژوهش احمدپور (۱۳۹۴) در مقاله «بازخوانی چگونگی تعاملات پیامبر ﷺ با غیرمسلمانان» نشان داد که پیامبر ﷺ هیچ‌گاه از فشار یا اجبار برای تحمیل تغییر دین اهل کتاب یا کفار یا مشرکان به اسلام استفاده نکرد و در مقابل همیشه سعی در بیدارسازی تعقل و فطرت و توصیه به عاقبت‌اندیشی در اعمال آنان می‌کرد تا بتوانند به شرک و خرافه‌پرستی و باورهای سخیف و نادرست خود بینش پیدا کنند. به‌طور کلی ایشان با تکیه بر استدلال و روشنگری، قرارداد با مشرکان، وفاداری به پیمان‌ها، سیاست تألیف قلوب، هدیه‌دهی به کافران و هدیه‌پذیری از آنان، احترام به سفیران و فرستادگان حکومت‌ها، قبایل و گروه‌ها، دادوستد با کافران، بهره‌گیری از کارشناسان و متخصصان غیرمسلمان مانند پزشکان یهودی و تکریم غیرمسلمانان، در جذب و گرایش غیرمسلمانان به اسلام تأثیر چشمگیری داشته است.

احمدوند و غضنفری (۱۳۹۵) در مقاله «کاوش و گروش؛ مطالعه موردی زندگی و آثار مراد ویلفرد هوفمان»، به کشش‌های اسلام و غنای اصول معرفتی، آموزشی و عملی آن در گروش به این دین پرداخته است.

نوذری (۱۳۹۶) در کتاب *روان‌شناسی تحول دینداری*، نظریه‌های روان‌شناختی تحول دین‌داری همچون گلدمن (Goldman)، ال‌کایند (Elkind)، فولر (Fowler)، اسر و گماندر (Oser & Gmunder)، کاهو و مدو (Kahoe & Meadow) و نیز دیگر اندیشمندان اسلامی همچون غزالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

رامبو و فرهادیان (۲۰۱۴) در کتاب *راهنمای تبدیل دینی*، به نقل از ون نیوکرک (Van Nieuwkerk)؛ معناجویی، پویایی اجتماعی (social mobility)، عشق، ناامیدی، رسش و همچنین موجه، منطقی و علمی بودن دین اسلام، زندگی در محیط چندفرهنگی، ملاقات با مسلمانان و مخصوصاً داشتن همکار مسلمان را سبب جاذبه و نهایتاً تبدیل به اسلام دانسته است. *پالوتزیان و پارک* (۲۰۱۵)، در کتاب *راهنمای روان‌شناسی دین و معنویت*، به تفصیل به موضوع تبدیل دینی و پژوهش‌های انجام گرفته، پرداخته است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) یافته‌های به‌دست‌آمده از فرایند تبدیل دینی نشان می‌دهد که تا وقتی معنای ارزشمندی انتقال داده شده توسط گروه دینی با تجارب فرد انطباق داشته باشد (به‌عبارت دیگر، در زندگی روزمره مورد استفاده قرار گیرد)، فرد عضویتش را در گروه دینی ادامه خواهد داد. ب) احساس هدفمندی در زندگی که توسط دین برای انسان ایجاد می‌گردد، سبب سازگاری روانی اجتماعی شده و می‌تواند به طور مشابه به‌عنوان انطباق (Fit) ذهنی (subjective) شخص - دین و دارای تأثیرات کارکردی گسترده‌ای در زندگی فرد گردد. ج) براساس نظریه دلبستگی فرض می‌شود که جست‌وجوی دینی شخص، ریشه در تجارب مربوط به اشکال دلبستگی اولیه دارد (پالوتزیان، ۲۰۱۵، ص ۴۰۷، به نقل از: ریچرت و گرنگویست). د) همچنین یک ویژگی شخصیتی می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی در دین‌داری بروز پیدا کند؛ برخی از ویژگی‌های فردی به صورت ناهشیار بر انتخاب‌های ما تأثیرگذار است.

با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌ها در تبدیل دینی با رویکرد غیراسلامی انجام شده است (بافت، مبانی، روش) و نیز «اکثر پژوهش‌ها درباره تبدیل متوجه نهضت‌های مذهبی جدید بوده‌اند که ماهیتاً فرقه‌ای و کیش گونه‌اند» (اسپیلکا و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۰۹) و نیز برای عمق‌بخشی و فهم بهتر فرایند تبدیل نیاز به استفاده از رویکردها و نظریه‌های مختلف در موضوع تبدیل دینی است (رامبو و فرهادیان، ۲۰۱۸)، این پژوهش بر آن است تا علل روان‌شناختی تبدیل به دین اسلام را با استفاده از آراء اندیشمندان مسلمان که به‌طور خاص مقصود آراء علامه طباطبائی، استاد مرتضی مطهری و آیت‌الله محمدتقی مصباح می‌باشند، بررسی و تبیین کند.

در جمع‌آوری اطلاعات و یافته‌ها از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی (نرم‌افزارها و سایت‌های) معتبر استفاده می‌کنیم. جهت این امر منابع عمومی و اختصاصی مرتبط با تحقیق، بعد از شناسایی، بررسی و مطالعه و با استخراج نکات، درصدد تبیین عوامل روان‌شناختی در تبدیل به دین اسلام خواهیم بود. روش انجام این تحقیق کیفی به صورت توصیفی - تحلیلی است. با مراجعه به منابع مکتوب اندیشمندان اسلامی، به بررسی شواهد، ادله و تحلیل آنها در جهت کشف نظرات این بزرگان در موضوع تبدیل به دین اسلام می‌پردازیم.

براساس بررسی و تحلیل منابع اسلامی، سه دسته عوامل روان‌شناختی تأثیرگذار در گروهش به دین اسلام به دست آمد که عبارتند از: ویژگی‌های شخص‌گرونده، شخص دعوت‌کننده و دین اسلام.

۱. ویژگی‌های شخص‌گرونده به دین

۱-۱. عقل‌محوری (تفکر و تعقل)

همان‌طور که پیتلنگ (Peatling؛ ۱۹۷۶) و *الکائید* (۱۹۶۴) تحول مفاهیم مذهبی را تابع تحول الگوی شناختی می‌دانند (آذربایجانی، ۱۳۸۷، ص ۲۰، به نقل از: دادستان و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸)، تبدیل به اسلام تابع تغییرات شناختی وسیع در انسان است. تغییرات شناختی در انسان تابع کیفیت تفکر و تعقل می‌باشد.

تفکر عاملی اساسی در برانگیختن به انجام اعمال خیر و اخلاقی و اصلاح سبک زندگی محسوب می‌شود: «انّ التفکر يدعو الی البرّ و العمل به» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۵)؛ یعنی تفکر هم انگیزه عمل ایجاد می‌کند و هم به عمل منجر می‌شود و می‌تواند در انسان تحول ایجاد کند. به احیای انسان در قرآن کریم از نظر جسمی، روحی و عقلی توجه شده و احیای عقل، نوعی احیای انسان محسوب می‌شود (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴). این عقلانی بودن و برتری جنبه عقلی بر عاطفی، از خصوصیات اساسی دین اسلام است (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۰۰). احساس فزونی ایمان و تقویت معنوی، پس از حیات عقلانی رخ خواهد داد (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۰۱). با اینکه گروهش به دین اسلام دارای علل و عوامل متعدد شناختی است، که هرکدام نقش قابل‌توجهی را در این فرایند از خود نشان می‌دهند؛ اما عامل تفکر و تعقل کردن شاه کلید عوامل شناختی در تبدیل به اسلام می‌باشد.

۳-۱. غفلت‌زدایی و کسب شناخت درست از اسلام

گرایش به امور معنوی و دین در گرو دستیابی به برخی فضایل نفسانی است که نقطه شروع آن، پراکندن غبار غفلت از دید مادی‌نگر است. مراحل خروج از غفلت عبارتند از:

الف. نخستین گام به سوی انسانیت، خارج شدن از غفلت و تاریکی محض، توجه به این حقیقت است که غیر از پاسخ گفتن به امیال غریزی، حقایق دیگری هم هست که انسان در برابر آنها مسئول و ناگزیر از پذیرش و تسلیم و پایبندی به لوازم آن است؛ چراکه این امور خارج از محدوده قدرت و اختیار او نیستند.

ب. بعد از اینکه انسان توجه پیدا کرد در عالم ممکن است چنین حقایقی وجود داشته باشد، برای او تردید پیدا می‌شود و از خود می‌پرسد آیا آنچه انبیاء می‌گویند حقیقت دارد یا ندارد؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش بر انسان لازم است تحقیق کند. ولی در این مرحله بسیاری از افراد به ظن اکتفا می‌کنند و زحمت حل قاطعانه مسئله را به خود نمی‌دهند؛ بلکه همین که گمانشان به یک طرف چربید روی همان نقطه می‌ایستند؛ حال آنکه توقف در این مرحله اصلاً درست نیست و نمی‌تواند در کشف حقیقت برای انسان آرامش‌بخش و اطمینان‌آور باشد؛ بلکه چه بسا انسان را از حقیقت دور سازد و سبب گمراهی وی شود. از اینجا است که قرآن با پیروی از گمان به مبارزه برخاسته، وی را به طلب علم و یقین، ترغیب می‌کند (مصباح، ۱۳۹۰ الف، ص ۸۹-۹۰). آیات بسیاری تأکید دارند بر اینکه باید اساس کار انسان علمی و یقینی باشد، نه ظنی و غیر یقینی (یونس: ۳۶؛ انعام: ۱۱۶).

قبل از اینکه انسان نسبت به موضوعی شناخت پیدا نکند، شوق به آن هم در او ایجاد نخواهد شد. مردم و حتی برخی متخصصان علوم تجربی، اغلب دارای افراط و تفریط در شناخت خود از اسلام هستند و این سبب می‌شود تا شناختی غیرواقعی و تک‌بعدی از اسلام برای آنها حاصل شود؛ درحالی‌که شناخت اسلام با همه ابعاد آن سبب آگاهی به حقیقت آن خواهد شد (مصباح، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۱۷).

یکی از عواملی که سبب عدم کسب شناخت صحیح می‌گردد، حس‌محوری است که از آنس به محسوسات و نزدیکی‌شان با طبیعت ناشی می‌شود (فرقان: ۲۱) و آنان را از اندیشیدن و شناختن صحیح حقایق و خداوند و ایمان آوردن به او بازمی‌داشت. این از نوع نقص در شناخت و تفکر است که ریشه آن، حس‌گرایی انسان است (مصباح، ۱۳۹۰ الف، ص ۱۴۱). منظور از آن حس‌گرایی که مانع

لحظه‌ای تفکر می‌تواند سبب تغییر سبک زندگی به سمت صلاح و سعادت گردد. پرواضح است که عامل عقل و ابزار تفکر و تعقل می‌تواند در طوفان تمایلات و احساسات و هیجان‌ها، انسان را به کشتی امن و آرامش تشخیص صحیح برساند. «تفکر کلید انسان شدن و انسان زیستن است» (مصباح، ۱۳۹۰ ب، ص ۱۵۸). هر آغاز تفکر و حلقه فکری، می‌تواند به وجودآورنده حلقه‌های فکری دیگری گردد که با اتصال زنجیره‌وار آنها، انسان را از غل و زنجیر تعصبات و جمود فکری برهاند و به قرب الهی ناقل آید.

در متون روایی شیعه هم روایات فراوانی درباره عقل، تعقل و تدبیر وجود دارد. در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام وارد شده است که: جبرئیل بر آدم ابوالبشر نازل شد و گفت من مأمورم تو را میان سه موهبت مخیر سازم تا اینکه یکی را برگزینی و بقیه را رها کنی. آن سه موهبت عقل، حیا و دین است. آدم گفت من عقل را برگزیدم، جبرئیل به حیا و دین گفت او را رها کرده و به سراغ کار خود بروید، آنها گفتند ما مأموریم همه جا با عقل باشیم و هرگز از او جدا نشویم (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۸).

این تعابیر دقیق و ژرفا در حدیث مذکور نشان می‌دهد همان‌طور که موهبت عقل دارای کیفیت و سطوح مختلفی است؛ متناسب با عقول، دین‌داری نیز شکل می‌گیرد و تفکر و تعقل در کیفیت دین‌داری اعم از پذیرش دین یا عمل‌گرایی به باورها و احکام دینی، نقشی بی‌بدیل را دارا هستند.

۲-۱. عدم سوگیری در افکار

عدم تعصب در باورها، تفکر آزاد و علاقه به علم و دانش از جمله ویژگی‌هایی است که تأثیر قابل‌توجهی در گروهش به دین اسلام دارد و این ویژگی‌ها در روایات نیز در مورد روحیه مردم ایران و نیز پذیرش اسلام از روی رغبت و نه ترس، به‌عنوان فضیلت مورد تأکید قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۹۰ ب، ص ۲۶۲).

آیه ۶۸ سوره «مؤمنون» بیانگر عذری است که برای اعراض خود از قرآن می‌آوردند؛ قرآنی که برای هدایت نازل شد و دعوت حقی را که آورنده آن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، اجابت نکردند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۶۷). آنها به دلیل داشتن باورهای خشک و متعصبانه نسبت به گذشتگان خود، از حق اعراض می‌کردند؛ هرچند نوظهور بودن چیزی مستلزم باطل بودن آن چیز نیست.

معرفت شمرده می‌شود دو چیز است:

الف. گرایش فکری افراطی به ادراکات حسی؛ آنچنان که برخی در معرفت‌شناسی، منشأ اصلی همه ادراکات بشری را در ادراکات حسی منحصر کردند.

ب. گرایش عملی افراطی ادراکات حسی است تا آن حد که از ایفای نقش خود بازماند؛ به این معنا که این ادراکات حسی به جای اینکه ما را بالا ببرند و به معارف و عقاید صحیح برسانند؛ برعکس، ما را از دست یافتن به آنها و اندیشیدن صحیح باز می‌دارند (همان، ص ۱۴۲).

۱-۴. عدم ابتلاء به تحریفات شناختی

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وقتی خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، قفل دل او را می‌گشاید و در آن ایمان و راستی قرار می‌دهد و قلب وی را نسبت به رفتار او هشیار می‌کند؛ دل او را سلیم و زبانش را راستگو و اخلاقی را مستقیم و گوش او را شنوا و چشمش را بینا می‌کند». آنچه در این حدیث تلویحاً می‌توان فهمید، قفل شدن دل و تفکر سبب ایجاد تحریفات شناختی در انسان می‌گردد که دیگر نمی‌تواند حق و حقیقت را از باطل و یا به عبارتی سره را از ناسره تشخیص دهد. داشتن تفکر منطقی و بدون تحریف شناختی یکی از آثار تقوا و عدم کفر و شرک در زندگی است. خدای تعالی این توفیق را از غیر اهل تقوا و پیرو دین نفی کرده و فرموده است که کافر و فاسق علم و شناخت صحیح و تذکر درست ندارد (غافر: ۱۳؛ نجم: ۳۰). تقوا سبب تفکر صحیح و منطبق با فطرت انسانی می‌گردد. منظور اسلام از دعوت به تقوا این است که نفس بشر را از دست دادن درک فطری باز داشته و او را به استقامت فطری برگرداند تا بتواند به درک حقائق نائل گردد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۳۷).

۱-۵. دلبستگی به خداوند

علاقه و محبت بدون هیچ چشمداشت و شرط و انتظارات یکی از نشانه‌های مراتب بالای معرفت و دلبستگی به خداوند است. لازمه دوست داشتن خدا و خالص بودن، قبول دین او و اطاعت و تسلیم در برابر اوست که همان دین توحید و روش اسلام است. خداوند هر جبی را حب نمی‌شمارد؛ چون حب که همان علقه و رابطه میان دو چیز است. وقتی حب واقعی است که مستلزم دوست داشتن همه متعلقات آن (که شامل اوامر و نواهی او که در مجموعه دین بیان شده) باشد؛

به طوری که بنده تسلیم محبت خدا و اراده او شود و در قلب و جوارح انسان آثار آن پدیدار گردد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۴۸).

۱-۶. آشنایی تدریجی و مستمر با احکام و عقاید و

فضای اسلامی

همان‌گونه که یک مرتبه نفس کشیدن و هوا را به ریه‌ها رساندن کافی نیست و دائماً باید نفس کشید و اکسیژن را به بدن رساند؛ روح نیز به تغذیه مداوم نیاز دارد. وقتی آدمی مطلب حقی را یاد می‌گیرد، تأثیرش در رفتار انسان محدود است. قلب آدمی نیازمند تأمین مدام انرژی است و با یک بار دانستن و برهان اقامه کردن، باور در روح انسان نقش نمی‌بندد. اگر معارف حق و اعتقادات حنیف، پیوسته به دل یادآوری نگردد، اندک اندک کمرنگ شده، اثر خود را از دست می‌دهد. در نتیجه، وقتی با شبهات و اعوجاج‌های فکری مواجه می‌شود، مغلوب آنها شده، در افکار و معارف و عقایدش دچار شک و تردید می‌گردد. دل نیز اگر از غذاهای سالم، علوم و معارف حق، بهره مند گردد، رشد می‌کند و اگر از اینها محروم بماند و با شبهات و اوهام و افکار مغالطه‌آمیز تغذیه گردد، ایمانش را از دست می‌دهد و پس از مدتی فاسد می‌شود. «پس باید دل خویش را به وسیله ادب و آموزه‌های صحیح مؤثر در حسن رفتار، برافروزم؛ آنچنان که آتش به وسیله هیزم برافروخته می‌شود» (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴-۱۰۶). در زمان پیامبر ﷺ تبلیغ و دعوت به اسلام به صورت تدریجی صورت گرفت، تا طبع مردم از پذیرفتن آن گریزان نباشد و نیز دل‌های مردم درباره بخش‌های مختلف احکام اسلام با یکدیگر، دچار تزلزل نگردد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۸).

۱-۷. دین‌داری رفاه‌گرایانه

انگیزه دین‌داری براساس خالص بودن نیت و اعمال برای خدا و خالی بودن از اغراض خودپسندانه سنجیده می‌شود. در برخی موارد روی آوردن به دین، تنها منشأ خودپرستانه و مادی‌گرایانه دارد (نوذری، ۱۳۹۶، ص ۱۸۰). مردمی از اعراب بودند که نزد رسول خدا ﷺ می‌آمدند و اسلام می‌آوردند، و چون به دیار خود برمی‌گشتند اگر آن سالشان سال پرباران و پرحاصل می‌بود، می‌گفتند: دین ما دین صالحی است و بر آن دین باقی می‌مانند و اگر آن سالشان سال بی‌باران و قحطی و مصیبت‌زا می‌بود، می‌گفتند: این دین که ما اختیار کردیم هیچ خیر و برکتی ندارد و به دین سابق خود برمی‌گردیم (حج: ۱۱؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۵۰۱).

۲. ویژگی‌های شخص دعوت‌کننده به دین

۲-۱. الگوهای رفتاری شخص دعوت‌کننده به اسلام

به این علت که هر دینی بر وجه خاصی از حقیقت تأکید می‌کند، کسی نمی‌تواند همان‌گونه از مسیح ﷺ پیروی کند که از پیامبر ﷺ پیروی می‌کند؛ زیرا در مسیحیت، مسیح ﷺ تجسد الهی محسوب می‌شود. «می‌توان مجذوب طبیعت مسیح ﷺ شد، اما از او به عنوان کمال مقام انسانی نمی‌توان الگوبرداری کرد؛ زیرا نه می‌توان روی آب راه رفت و نه مرده‌ها را زنده کرد» (نصر، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵). در اسلام وقتی کسی راجع به پیامبر ﷺ به عنوان کسی که باید سرمشق رفتار انسان قرار گیرد، می‌اندیشد؛ تصویری از یک شخصیت باصلاحت متبادر به ذهن می‌شود. مطابق آیه ۲۱ سوره «احزاب»، منظور از اسوه بودن پیامبر ﷺ آن است که ایشان در ابعاد سه‌گانه اعتقادات، اخلاقیات و اعمال، الگوی کامل انسان‌ها هستند.

خدای سبحان در سوره «نحل» آیه ۱۲۵ و سوره «آل عمران» آیه ۱۵۹، خوش‌خلقی و قابل‌انعطاف بودن و گذشت در امور شخصی را از جمله ویژگی‌هایی بیان می‌کنند که سبب سست شدن تعصبات فردی و قومی شده و زمینه‌ساز پذیرش این دین می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۶). در روایات نیز امام رضا ﷺ می‌فرمایند: رحمت خدا بر بنده‌ای باد که امر ما را زنده دارد. علوم ما را فراگیرد و آن را به مردم نیز بیاموزد؛ زیرا اگر مردم زیبایی و شکوه سخن ما را دریابند حتماً به ما گرایش پیدا می‌کنند و پیرو ما می‌شوند (صدوق، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۰۷).

همچنین معاشرت و مصاحبت با دانشمندان، عقلا و خردمندان سبب تشابه به آنها (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۲)، روشنی و آبادی دل‌ها (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۹، ص ۵۳۹-۵۴۰)، اصلاح اخلاق و رفتار (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶ ص ۱۹۱-۱۹۶)، استكمال خرد و شرافت نفس و همنشینی با فرشتگان مقرب (همان، ص ۴۲۹-۴۳۰)، افزایش علم (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۲) و مورد نظر خداوند قرار گرفتن (سیدبن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶۴) می‌گردد. تمامی عوامل یادشده سبب تقویت باورها و می‌تواند زمینه‌ساز تحول در دین‌داری گردد.

۲-۲. حسن معاشرت با غیرمسلمانان

اسلام می‌گوید اگر کافری همسایه شما شد یا او هم سفر شدید، نسبت به شما حق پیدا می‌کند. اگر با کافری هم سفر شدید و به

جایی رسیدید که راهتان دو تا می‌شود و خواستید از هم جدا شوید، آن هم سفر کافر این حق را به گردن شما دارد که چند قدم همراه او بروید و او را مشایعت کنید و سپس از او جدا شده، به راه خود بروید. اسلام رعایت قسط و عدل را نسبت به هر کس، حتی کفار لازم دانسته و ظلم را مطلقاً مردود می‌شمارد. فرد اگر کافر هم باشد، شما حق ندارید به او ظلم کنید (مائده: ۸)؛ حتی بالاتر، رعایت عدل به‌تنهایی هم در مورد کفار کافی نیست؛ بلکه احسان هم، که مرتبه‌ای بالاتر از عدل است، باید در کار باشد (ممتحنه: ۸).

حتی در مواردی، از این حد هم فراتر رفته و می‌فرماید از محل مالیاتی که مسلمانان به حکومت اسلامی پرداخت کرده‌اند، بخشی از آن را به کفار مرزنشین و کفاری که در مجاورت سرزمین اسلام زندگی می‌کنند، بدهید تا قلب‌های آنان را به اسلام متمایل کنید و جذب اسلام شوند (توبه: ۶۰). لازم هم نیست که حتماً در اثر این کار مسلمان بشوند؛ بلکه همین مقدار که دل‌هایشان نسبت به مسلمانان مهربان گردد و به آنان علاقه و محبت پیدا کنند، خوب است. این کار، کم‌کم زمینه ایجاد می‌کند که هرچه بیشتر به شما نزدیک تر شده و با شما انس بگیرند و رفتار و اعمال و زندگی شما را از نزدیک مشاهده کرده و صحبت‌هایتان را بشوند و چه‌بسا تحت تأثیر قرار گرفته و مسلمان شوند (مصباح، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵).

۳. ویژگی‌های دین اسلام

۳-۱. خلل‌ناپذیری اسلام

احکام اسلامی سبب حفظ تعادل روحی افراد جامعه، پایداری، سلامت اجتماعی و مجموعه‌های تشکیل‌دهنده آن، مانند خانواده می‌گردد تا زمینه رشد اخلاقی و معنوی انسان در اجتماع به بهترین وجه فراهم شود (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۰۴). کامل بودن این دین به گونه‌ای است که همه ابعاد و نیازمندی‌های بشر را به صورت نظام‌مند پاسخ می‌دهد. همچنین عدم تحریف پیام الهی در قرآن کریم سبب ماندگاری و ایجاد علاقه نسبت به آموزه‌های این دین است. در نتیجه با توجه به گرایش فطری جاودانگی و تکامل که نسبت به همه امور در انسان وجود دارد، این دین می‌تواند به‌عنوان آخرین برنامه زندگی دینی، مورد توجه قرار گیرد (همان، ج ۱۸، ص ۳۸۶). مجموعه فضایل انسانی و معنوی اسلام سبب محبوبیت و گسترش این دین گردیده

افراد همان قوم می‌دانند که این موضوع سبب عدم گسترش این دین در جهان گشته است. در مقابل، عدم انحصار مسلمان بودن در قوم یا نژاد خاص، و همگانی بودن آن، سبب پذیرش این دین در میان ملت‌های مختلف می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۵۱).

۳-۵. قابل اعتماد بودن

یکی از عوامل بنیادین شکل‌گیری روابط اولیه و بادوام انسانی، حس اعتماد به یکدیگر است. داشتن اطمینان و دلگرمی، کنشی است که فطرت انسان در تمام امور در پی یافتن آن است. اعتقاد دینی برای آنکه برای افراد قابل پذیرش باشد، لازم است از دیدگاه روان‌شناختی قابل اعتماد باشد (حیدری، ۱۳۸۹، به نقل از: بیت‌هالامی و آرگل، ۱۹۹۷). دین اسلام با ایجاد احساس اطمینان در انسان در تمام جوانب آن مانند عدم تحریف، آورنده مطمئن و راستگو، جامع و کامل و هدفمند بودن، سبب می‌شود تا ویژگی تعهد و مسئولیت در نفس انسان نسبت به این دین شکل گیرد و این موضوع منجر به انتخاب و پایبندی به اسلام می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۹۵).

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر در پی شناسایی عوامل روان‌شناختی تبدل به دین اسلام با تکیه بر آراء اندیشمندان مسلمان بود. با بررسی‌های محقق به شیوه توصیف و تحلیل منابع اسلامی، سه دسته علل شامل ویژگی‌های شخص‌گرونده، شخص دعوت‌کننده و دین اسلام، به عنوان عوامل مؤثر در تبدل به دین اسلام، به دست آمد. از آنجاکه توصیف‌های سطحی از دین، بر خطای اخذ وجهی از شیء به جای گنه آن استوارند که گزارش‌های ناقص و تک‌بعدی از پدیدارهای دینی ارائه می‌دهند و «کثر مدل‌ها بر این تأکید می‌کنند که تبدل فرایندی پیچیده است که در آن عوامل مختلفی را باید در نظر داشت» (اسپیلکا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۹۸)؛ ایجاب می‌کرد تا برای فهم تبدل به دین اسلام، مجموعه عناصر مختلفی را مورد توجه قرار دهیم. کارکرد عوامل دسته اول، آماده‌سازی ظرف وجودی انسان برای پذیرش نور دین اسلام و احساس نیاز به آن معارف را دربر دارد. بنابراین باید فضای نفسانی و روحی برای کسب معارف و باورها دارای تناسب و سنخیت باشند. در نتیجه هر نوع محیط نفسانی با هرگونه باور و اعتقادی سازگار نیست. امیال و علایق شهوانی، مانع پذیرش، تصدیق و قبول باورهای صحیح

است (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۶۲). به‌عنوان مثال، اسلام با موانع شکوفایی انسان همخوانی ندارد و نمونه‌های این قبیل موانع در همه زمان‌ها را مردود می‌شمرد (مطهری، ۱۳۸۹، الف، ج ۱، ص ۴۶).

محتوا و الگوی ناب معارف اسلامی نیز یکی از دلایل جاذبه میان قرآن و روح حقیقت‌طلب انسان است و سبب گروش بسیاری از افراد به اسلام گشته و خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۱).

همچنین اسلام نقص‌های دیگر ادیان و مکاتب را ندارد و همین امتیاز سبب گسترش آن در میان اقوام مختلف می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۰، الف، ص ۶۳). برای مثال از جمله سفارش‌های اسلام در رعایت حقوق انسانی، عدم سخت‌گیری بر غلامان است؛ به‌طوری‌که مولا با عبد خود معامله پدر و فرزندی برقرار کرده و او را اکرام کند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۴۹۹). در نتیجه حسن سلوک اسلام، سبب نزدیکی قلوب به این دین می‌گردد.

۳-۲. انطباق‌پذیری

دین اسلام این ویژگی را دارد که می‌تواند در زمانه‌های مختلف و جوامع گوناگون با تغییر و تحولات مربوطه انطباق داشته باشد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۸۷). از مجموع آیات قرآن کریم به دست می‌آید که دیگر اقوام نسبت به اعراب، دارای ویژگی‌های روان‌شناختی هستند که راحت‌تر نسبت به اسلام پذیرش دارند (همان، ص ۶۳). از آنجاکه فطرت انسان طالب کشف حقیقت و قوانین هستی، اعم از فیزیکی، فراروان‌شناسی (parapsychology) و حتی معنوی است و عقاید اسلامی نیز براساس حقایق هستی استوار گشته است، این انطباق بین آموزه‌های اسلامی و قوانین هستی، سبب جاذبه به دین اسلام می‌گردد (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹).

۳-۳. سهولت دین اسلام

از جمله عوامل محبوبیت یک مکتب، بعد تجربی و مناسکی انعطاف‌پذیر آن است. سادگی و قابل فهم و پیچیده نبودن دین اسلام سبب گسترش آن در جهان می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۹۰).

۳-۴. قومی و نژادی نبودن اسلام

پیروان برخی ادیان همچون یهودیت، دین‌شان را منحصر در میان

می‌شوند. در نتیجه تعلقات انسان به دنیا و امور مادی و جسم خودش، حجاب‌هایی هستند که مانع بالفعل شدن و شکوفایی فطرت انسانی‌اند. کارکرد عوامل دسته دوم، الگودهی ملموس و برانگیختن بعد عاطفی در جذب افراد است. همان‌طور که ادیان الهی از راه محبت، به دل‌ها نفوذ می‌کنند؛ در دین اسلام نیز ابزار محبت یکی از ارکان جذب و هدایت است.

کارکرد عوامل دسته سوم، ویژگی‌هایی از دین اسلام است که سبب جاذبه به آن می‌گردد. مجموعه خصایص این دین، سبب احساس اطمینان در دل‌ها نسبت به آن می‌گردد. این سه دسته ویژگی‌های بیان‌شده سبب می‌شود که افراد مختلف، از نسیم فضای معنوی اسلام که جهان امروز را با گسترش رسانه‌ها به مراتب نسبت به گذشته بیشتر درنوردیده است؛ بهره‌مندگردند و موجب گرایش و گروه به اسلام در آنها شده و به قرب الهی ناائل آیند.

منابع.....

نهج‌البلاغه ۱۴۱۴ق، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

احمدپور، اکبر، ۱۳۹۴، «بازخوانی چگونگی تعاملات پیامبر ﷺ با غیرمسلمانان»، *تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و هفتم، ش ۹۵، ص ۲۹-۵۳.

احمدوند عباس و سعادت غضنفری، ۱۳۹۵، «کاوش و گروه؛ مطالعه موردی زندگی و آثار مراد ویلفرد هوفمان»، *سخن تاریخ*، سال دهم، ش ۳۳، ص ۶۱-۷۶.

اسپیلکا، برنارد و دیگران، ۱۳۹۰، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.

آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۷، *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی یا تکیه بر اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

_____ و همکاران، ۱۳۹۵، *تجربه دینی در فرهنگ اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف عمرالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

حسین‌زاده، عبدالرضا و ناصر محسنی‌نیا، ۱۳۸۷، «اسلام‌گرایی ایرانیان؛ زمینه‌ها و عوامل»، *مطالعات ایرانی*، سال هفتم، ش ۱۴، ص ۱۷۵-۱۸۸.

حیدری، مجتبی، ۱۳۸۶، «نظریه‌های روان‌شناختی دین و نقد آن»، *معرفت*، ش ۱۱۲، ص ۸۸-۶۹.

خوانساری، جمال‌الدین، ۱۳۶۶، *شرح عمرالحکم و دررالکلم*، تهران، دانشگاه تهران.

سیدین طاووس، علی‌بن موسی، ۱۳۷۶، *الاقبال بالاعمال الحسنه*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۵، *دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت الله مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۳۳، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر

موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

عزتی، ابوالفضل، ۱۳۷۴، *دیباچه‌ای بر تاریخ فلسفه نشر اسلام*، قم، دارالتبلیغ اسلامی.

کرمی‌پور، الله کرم، ۱۳۸۹، «تحلیل جامعه‌شناختی تغییر کیش (با تأکید بر تغییر کیش از مسیحیت به اسلام)»، *اسلام و علوم اجتماعی*، سال دوم، ش ۳، ص ۸۵-۱۱۴.

_____، ۱۳۹۲، «تغییر دین و تغییر شخصیت»، *پژوهش‌های ادیبانی*، سال اول، ش ۲، ص ۹۹-۱۱۶.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۸۹، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه.

لووتتال، کیت ام، ۱۳۹۵، *درآمدی به روان‌شناسی دین*، ترجمه مهدی عیوضی، قم، ادیان.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۶، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.

مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، *کاوش‌ها و چالش‌ها*، تحقیق و نگارش محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰، *الف، انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰، *ب، به سوی او*، تحقیق محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۹، *ب، اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۹۰، *الف، انسان و ایمان*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۹۰، *ب، خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۹۰، *ج، سیری در سیره نبوی*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۹۰، *د، گریز از ایمان و گریز از عمل*، تهران، صدرا.

موحدی، الهام، ۱۳۹۰، *ترجمه و تحقیق کتاب شناخت تغییر دین؛ نوشته لوسیس رامبو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ادیان و عرفان تطبیقی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

نصر، حسین، ۱۳۸۳، *ارمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*، ترجمه شهاب‌الدین عباسی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نوذری، محمود، ۱۳۹۶، *روان‌شناسی تحول دینداری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

وولف، دیوید ام، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.

Paloutzian Raymond F, Park Crystal L, 2015, *Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality*, Guilford Press.

Rambo Lewis & Charles E. Farhadian, 2018, "Responses to Presentations at the American Academy of Religion Annual Meeting Forum on the Oxford Handbook of Religious Conversion", *Pastoral Psychol*, N. 67, p. 227-234.

_____، 2014, *The Oxford Handbook of Religious Conversion*, Oxford University Press.

Rambo, Lewis, 1993, *Understanding Religious Conversion*, New Haven, CT, Yale University Press.

William K. Tell, Jr., 2006, *Bridges Burning: America's Challenge of the 21 Century*, New York, Universe Inc.